

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه نعل (جلسه سیزدهم)

جلسه خانوادگی - استاد اخوت ۱۴۰۲/۰۶/۰۶

انشاءالله خداوند فرصت‌های از دست رفته به واسطه‌ی گناهانمان را به برکت ولادت امیرالمومنین علی (علیه السلام)، ولادت امام موسی کاظم (علیه السلام) و روز مباحله جبران کند، صلواتی ختم بفرماید.

در این جلسه به بررسی آیات انتهایی سوره‌ی مبارکه‌ی نمل و جمع‌بندی سوره می‌پردازیم.

ویژگی خاص سوره‌ی مبارکه‌ی نمل، تثبیت صفت ایمان درون انسان است. ازین رو تمام آیات آن فعال‌کننده‌ی ایمان می‌باشند. خداوند برای حصول این نتیجه‌ی مهم آیات قرآن و کتاب مبین را نازل فرموده است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

طس تِلْكَ اٰیَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُّبِیْنٍ (۱)

هُدًی وَبُشْرًی لِّلْمُؤْمِنِیْنَ (۲)

الَّذِیْنَ یُقِیْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَیُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ یُوقِنُوْنَ (۳)

انسان باید یکی از کارکردهای قرآن را افزایش ایمان بداند. یکی از کاربردهای کلاس قرآن باورمند شدن و تقویت اعتقادات مان به عالم و نظام هستی به واسطه‌ی این باورهاست. یکی دیگر از کارکردهای قرآن، رویت آخرت است. در واقع به کمک قرآن می‌توان آخرت را حتی بهتر و زیباتر از زمان ورود به عالم آخرت، رویت کرد و شناخت! بسیار مهم است که از قرآن به عنوان یکی از کتاب‌های آخرت‌شناسی استفاده کنیم.

قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ ؕ اللَّهُ خَيْرٌ مَّا يُشْرِكُونَ (۵۹)

در آیات انتهایی تعدادی «قل» خطاب به پیامبر امر شده است. در این آیات یکسری سوال مطرح می‌شود که در پاسخ آنها «أعله مع الله» تکرار می‌شود.

قُلْ لَّا يَعْلَمُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ (۶۵)

بَلِ ادَّارَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْهَا بَلْ هُمْ تَمَنَّىٰ (۶۶)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَءِذَا كُنَّا تُرَابًا وَّءَابَاؤُنَا أَئِنَّا لَمُخْرَجُونَ (۶۷)

لَقَدْ وُعِدْنَا هَٰذَا نَحْنُ وَّءَابَاؤُنَا مِن قَبْلُ إِن هَٰذَا إِلَّا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۶۸)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ (۶۹)

آیه ۶۵ در جلسه‌ی قبل مورد بحث قرار گرفت و بعد از آن به آیات ۶۹-۷۲ و انتهای سوره رسیدیم.

در این جلسه به بررسی تعدادی از «قل»های سوره می‌پردازیم. اگرچه بررسی ارتباطات این «قل»ها دشوار است اما می‌توان موضوعات آنها را استخراج نمود. «قل» اول مربوط به عدم وجود هیچ اله دیگری غیر از خدا در نظام هستی می‌باشد. «قل» دوم می‌فرماید که هیچ دلیلی برای بهانه‌جویی وجود ندارد و اگر کسی بهانه‌جویی کند، مسلماً قصدش عدم تبعیت می‌باشد. سومین «قل» مربوط به سیر در زمین است. از دیدگاه بعضی مفسرین سیر در ارض همان سیر در قرآن و آشنا شدن با احوال گذشتگان می‌باشد. آیاتی که نظیر این آیه ابتدایش با یک فعل امر بوده و در ادامه فا نتیجه می‌آید بدین معنی است که تا زمانی که آن نتیجه حاصل نشده، فعل امر به درستی تحقق پیدا نکرده است. یعنی اگر پس از سیر عاقبت مجرمین را نبینیم یعنی سیر به درستی انجام نشده است. عاقبت مجرم این است که حتی اگر در این دنیا تمتع کامل داشته باشد، در آن دنیا، دست‌هایش خالی است. زیرا تمام هم و غم‌اش صرف آبادانی دنیا شده است. در پاسخ به سوال یکی از دوستان گفته شد که ما حق نداریم حوادثی نظیر زلزله، سیل، تصادف و... را به عنوان عقوبت انسان‌ها در نظر گرفته و تعمیم بدهیم زیرا قضاوت این قضیه با ما نیست. تمام ساز و کار مجرم برای خوشبختی در این دنیا است و بعد از صد یا صد و بیست سال به پایان می‌رسد و مجرم با دستان خالی وارد آخرت می‌شود.

نزدیک‌ترین کلمه به تفکر در قرآن، «سیر» است. پس باید خود را در موقعیت‌های مختلف قرار دهیم تا نهایت امر دنیا برای ما روشن شود. جرم در قرآن بیشتر به گناهی اطلاق می‌شود که جنبه‌ی اجتماعی دارند مثل قتل نفس، قاجاق و...

نوعاً ما وقتی در مکان‌های مختلف تردد می‌کنیم، نمی‌دانیم که باید به چه چیزهایی توجه کنیم. مثلاً وقتی به یک شهر بزرگ مسافرت می‌کنیم چگونه می‌توان از آن عبرت گرفت؟ اولین مسئله‌ی عبرت آموز یک شهر مربوط به آباد نبودن آن شهر از نظر ارتباطات اجتماعی است. اگر افراد شهری مجرم باشند، توان دوست داشتن یکدیگر را نخواهند داشت. پس هنگام سیر در یک شهر باید به روابط مردم آنجا دقت کنیم و با مردم محلی آنجا ارتباط بگیریم.

نکته‌ی دوم وحدت کلی موجود در شهر است که خود تشخیصی دارد و آن را از شهرهای دیگر متمایز می‌کند. هر شهری به مثابه‌ی یک انسان است و باید پس از سیر در آن مکان، بتوانیم خصوصیات آن را بیان کنیم. مثلاً فلان شهر بانشاط، امن و خونگرم بود. مثلاً شهری که دارای تحرک و سازندگی است، شهری جوان است. باید بدانیم که مثلاً اگر من در فلان محله‌ی تهران زندگی می‌کنم، چه خصوصیتی بر آنجا حاکم است و برای من و خانواده‌ام چه منافع و مضراتی دارد. مثلاً اغلب شهرهای نواحی کاشان و گلپایگان معنویت‌زا هستند. متأسفانه شهر تهران در حال حاضر به شدت ضد تألیف و ارتباط شده و حتی حالت انزوا در مساجد هم رخنه کرده است و این علیرغم این است که مردم تهران اکثراً سیر زیادی در زمین هم دارند، اما از آن نتیجه‌ی درستی نگرفته‌اند. مجرمین در عالم، سازه‌های زمین را تغییر داده‌اند بدون اینکه مومنین متوجه شوند. پس از مولفه‌های سیر این است که هنگام مسافرت توجه کنیم که مردم این شهر چه چیزی کم دارند که ما داریم و برعکس، یعنی این‌ها چه چیزهایی دارند که ما نداریم. این خاصیت زندگی مجرمانه است که هر چیزی را که خود نداریم تمنا کنیم و از نعماتی که در اختیار ما است حظّ و بهره‌ای نبریم. هر نظام شهری دارای منافی است که به دلیل عدم تقوا مشاهده و استفاده نمی‌شود. مثلاً همین که در شهر تهران جمعیتی را که در سایر شهرها در چند صد هکتار زندگی می‌کنند، در یکی دو هکتار تجمع نموده‌اند، خود دارای منافی می‌باشد. اما در صورت عدم شناخت و استفاده از این منافع فقط درگیر معایب آن می‌شویم. وظیفه‌ی ما این است که در زمین سیر کنیم و منافع مناطق مختلف را شناخته و آنها را برای خود بازسازی و استفاده کنیم. «مجرم» به معنی کسی است که از نعمات خدا استفاده نکرده و تنها در پی بدبختی‌های زندگی است. منفعت

باید حتماً از جنس آخرت باشد. فرد با سیر در زمین باید تمام خوبی‌های دنیا را در خود فعال کند و نهایت آن هجرت می‌باشد.

پیشنهاد می‌شود که با این دیدگاه به چند شهر سیر کنیم؛

این شهر چه امکاناتی دارد که از آن استفاده نمی‌کند؟ مثل محیط زیست، آب، تالیفات اجتماعی، مدنیت و...

چه گناهایی در این شهر بیشتر وجود دارد؟

چرا این شهر به اینجا رسیده است؟

و ...

سپس مجموعه‌ی نکات حاصل از این سیر، تبدیل به یک شهر خیالی رویایی می‌شود.

اگر حیات انسان به غیب متصل نباشد حتی در بهترین شرایط زندگی، خوشی برایش حاصل نمی‌شود.

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ (۷۰)

پس از بحث در رابطه با شهرها و سیر در زمین و عدم پذیرش انسان‌ها، پیامبر (صلی الله علیه و آله) محزون می‌شوند و خدا به ایشان امر می‌کند که «و لا تحزن علیهم».

انسان‌ها به واسطه‌ی مدنیتشان زیر بار حق نمی‌روند و زندگی و نظامات اجتماعی آنها مکرآلود می‌شود و نتیجه‌ی آن آیات زیر می‌باشد.

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۷۱)

انسان‌ها ایمان‌شان به آخرت را از دست می‌دهند.

قُلْ عَسَىٰ أَن يَكُونَ رَدْفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ (۷۲)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ (۷۳)

هر اتفاقی که در زمین برای انسان حادث شده است، بر اساس حکمت و فضل الهی بوده است. تنوع اقلیم‌ها بر مدار فضل الهی رخ داده است اما انسان‌ها شاکر نیستند.

بدون سیر در زمین ما نمی‌توانیم به نظام فطری عالم دست یابیم. نوع درختان و گیاهانی که در یک شهر هستند با خصلت‌های مردم آن اقلیم دارای ارتباطاتی می‌باشد. البته در نظام شهری این موارد بهم ریخته است. ما خودمان را تمام و کمال تحویل اجتماع داده‌ایم، در حالیکه حتی حال زمین‌ها و اقلیم‌ها با هم متفاوت است و باید این تفاوت‌ها را در زندگی خود لحاظ کنیم. یکی از مثال‌های بارز آسیب‌شناسی این است که مثلاً آموزش و پرورش عمومی مخلّ نظام شهری و روستایی است.

انشاءالله به شهری برسیم که معنویت و نماز به آسمان نزدیک‌تر باشد مثل جمکران، کوفه و... این مدائن به سادگی حاصل نشده‌اند بلکه حاصل شناخت علمایی است که فاصله‌ی زمین و آسمان را بشناسند.

انشاءالله به مدد امام موسی کاظم (علیه السلام) بتوانیم با سیر در زمین به شناخت برسیم.

ویژگی‌های یک شهر هم مربوط به اقلیم آن است و هم انسان‌ها و... مثلاً طبق خطبه‌ای از نهج‌البلاغه ایمان در بعضی شهرها به سختی حاصل می‌شود، پس بهتر است از آن شهر هجرت نمود. انسان باید با خود تامل کند که خدایا مرا برای رشد در چه منطقه‌ای خلق نموده‌ای؟ نباید متعصبانه به یک شهر متصل شویم. اینکه در شهری امکانات دانشگاهی وجود دارد، دالّ بر بهتر بودن آن مکان نیست زیرا خدا از ما رشد آخرتی را انتظار دارد.

به امید آنکه نکات این جلسه در عمق جان ما نشست باشد، صلواتی بفرستید.

تعمیل و فرج امام زمان (عج) صلوات